



خود را باستثناء بعضی مواد خوراکی از خارجه خریداری میکنند. ( ۱ ) قسمت  
زیادی از بودجه حکومت هندوستان در انگلستان خرج و مصرف می‌رشد .

ادموند پورک مذکور، در سال ۱۷۸۳ پیشگویی نمود که خارج کردن  
این مبالغه ممکن است در هر سال از هندوستان بدون اینکه در مقابل یکشاهی  
پول داخل آن شود ، بالاخره هندوستان را بویرانی و ایلان سوق خواهد داد ( ۲ )  
مطابق حسابیکه اداام برو کس کرده است در مدت هفتاد سال بالغ بر دو  
میلیارد و نیم الی پنج میلیارد پول از هندوستان مانند میل خارج شده بدون  
اینکه یکشاهی از خارج باین کشور وارد شود ( ۳ ) اداام برو کس نیز مانند  
مکاولی معتقد است که دولت برطانیایا بوسیله همین مبالغه خطیر توانسته است  
هم تجارت آزاد و وسیع خود را باین نحو در دنیا برقرار کند هم با اختراعات  
مکانیکی خویش ، ایل گردد و هم یک انقلاب صنعتی در داخله مملکت خود  
بوجود آورد . ( ۴ ) در سال ۱۹۰۱ دولت از روی حسابهای دقیق تعیین  
و ثابت نمود که بیش از تمام عوائد سالانه هندوستان خارج و تا باید از کسبه  
آن بدر رفته است ( ۵ ) در سال ۱۹۰۶ هندمان مطابق یک حساب تقریبی  
اظهار داشت بولاهاتی که از هندوستان خارج میشود بالغ بر چهل میلیون دلار  
میشود . ا . ج . ویلسون حساب کرد که عشر تمام عواید دولتی هندوستان هر  
ساله از آن مملکت خارج میگردد . ( ۶ ) مات کامری در سال ۱۸۳۸ تخمین  
زد که هر سال از هندوستان ۱۰۰۰۰۰۰۰ دلار خارج میشود که دیگر  
بر نمی‌گردد .

مطابق حسابیکه متارالیه کرد اگر این مبالغه در خزانه هندوستان  
بماند و حداقل منافع برای آن منظور گردد در مدت ۵۰ سال بالغ بر ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

---

۱ - ساندرا لاند ص ۳۰۰

۲ - دولت ص ۴۹

۳ - اداامس ص ۲۵۹ الی ۲۶۰ ، ساندرا لاند ص ۳۸۶

۴ - اداامس ص ۳۱۳

۵ - دولت ص ۱۳

۶ - ساندرا لاند ص ۳ - لاجپاترای ص ۲۴۱ و ۲۴۸



قدری مرا متاثر میکنند که نزدیک است خفه شوم... اگر ما چندی دیگر  
باین وضعیت ادامه بدهیم و اهالی را بدین طریق بطرف ترقی بریم بطول  
نمی کشد که اهالی آن آدم خواری را پیشه خود قرار خواهند داد زیرا  
چیزی دیگر باقی نمانده که با آن اعاشه کنند.

## ۶ - زیانهای اجتماعی

این درجه فقر و تنگدستی نهرا در هر مملکتی - هالت ، تصب ،  
مرض و بالاخره مرك تولید می کند . مردمی که این اندازه در غر ناب  
مذلت سرنگون باشد مسلما نخواهند توانست بمسائل معاشی و تربیتی پردازند  
نمی توانند از عهده ادای مالیاتهای لازم برای ریا داشتن مدارس و عیال بر  
آیند ، نمیتوانند ادعاهای خود را در سال اولیه از زحمت و مجاهدت های  
پوده و وسائل تعلم و تربیت آنها را فراهم نمایند . آخرین دیناری که  
این مردمان سیاه روز میباشند صرف تربیت اولاد خودشان رسانند از  
دست آنها رفته شده است

در اوایل استعمار دولت بریتانیا در سراسر هندوستان مدارس و مکاتب  
متعدد و واقعی وجود داشت که جمعیتهای مخصوصی در دهات و روستا ، آنها  
را اداره میکردند ، عاملین کمیابی هندوستان ترقی آن جمعتهارا هم رده  
برای ایجاد مدارس جدید بجای مکاتب کوچک قدیمه کوچکترین اقدامی  
بعمل نیامورد . حتی امروز هم پس از معاهدات و کشفکتهای اینک فرد  
عده مدارس عالی نسبت به سال قبل ۶۵ درصد میباشد .

در هندوستان ۷۳۰۰۰۰ نفره وجود دارد ولی عده مکاتب ابتدائی  
آن فقط ۱۶۲۱۵ باب میباشد . از عده پسران ۷ درصد و از عده دختران  
۵۱ درصد که روی هم رفته عبارت است از چهار صد و اطال آن مملکت  
باین مکاتب راه دارند مدارس دولتی مجانی نیست ، دخول در این مدارس  
برای کسانی ممکن میباشد که بتوانند حقوق تفری را بپردازند این حقوق  
گرچه برای خارجی ها زیاد نیست ولی برای مردمی که در مدت عمرشکم  
سیر بخود نمی بینند و همیشه در زیر فشار بار فقر و فاقه دست و پا میزنند  
غیر قابل تحمل است میگویند علت متوقف ماندن معارف و زیاد نشدن عده

مکاتب این است که بقدر کفایت زن معلمه پیدا نمیشود . میگویند علت پیدا نشدن معلمات بقدر کفایت این است که زنها میترسند آنها را مردم بی‌زور بربایند و در صورتیکه زن در هندوستان بمراتب بهتر از نیویورک در امان میباشد محققین و مطلقین از کیفیت اوضاع هندوستان میدانند عدم توسعه معارف معلول این علتهای یوج و بی اساس نمیباشد . بلکه برای اینست که حقوق یکنفر معلم معمولی در ماه از پنج دلار تجاوز نمیکند ، معلمین خبره و کهنه کار از پنج الا شش دلار و نیم حقوق در پاست میدارند . حقوق یکنفر مدیر از هفت دلار و نیم تجاوز نمیکند . حقوق سالیانه یکنفر معلم در ریالت مدرس تا سال ۱۹۹۱ فقط ۲۴ دلار و ۳۶ سانتیم بوده . حکومت هندوستان در هر سال برای تربیت يك طعل ۸ سانتیم و برای نگاهداری يك سر باز ۸۴ سانتیم بمصرف میرساند .

در سال ۱۹۱۱ کوهال نماینده هندوستان لایحه برای اجرای تعالیم اجباری در تمام هندوستان تقدیم مجلس نمود ولی نمایندگان دولت و افراد انگلیسی عضو مجلس با آن شدت مخالفت نمودند ولایحه مذکور رد شد . در سال ۱۹۱۶ مجدداً پائل لایحه دیگری بهمان مضمون تقدیم مجلس گردید مجدداً نمایندگان دولت و انگلیسهای عضو آنرا رد کردند .

دولت نیتراستت مفارح مدارس لارمه را متحمل گردد ولی بجای اینکه ۸ در ۵۰ بودجه را که برای این کار تعیین شده بود بمصرف مدارس ابتدائی رساند چندین باب مدرسه عالی و دارالفنون با آن تاسیس نمود که دوره دروس این مدارس زبان انگلیسی تدریس میشود ، و بدین طور آداب و اخلاق و رسوم انگلیسی در مغز محصلین تزریق میگردد . جوانان بیچاره این مملکت باوجود شدت فشار فقر و بینوائی و تنگدستی با هزار خون دل و تحمل کرسنگی مبلای برای تربیت خویش میبندوزند و خوبشتر را برای دخول در دارالفنون حاضر میکنند . در ایندووقع مشاهده میکنند که در صورت دخول در این مدارس بگلی ملت خویش را از دست داده و در اثر تبلیغات غیر رسمی و

متمادی مطمئن نسبت بشئون اجتماعی و افتخارات مای خویش بیعلاقه شده در هر چیز مقلد انگلیسی ها واقع بشود . اولین وظیفه يك دولت متجدد و مصلح پس از تأمین صحت عمومی عبارتست از تعلیم اجباری و عمومی و آزاد برای عموم افراد ملت . با وجود این معنی كه در هر سال به صرف معارف سرزمین پهناور هندوستان میرسد به مراتب كمتر از بودجه معارف شهر بیوورك به تنهایی میباشد در طول مدت ربع قرن یعنی در سالهای ما بین ۱۸۸۲ الی ۱۹۰۷ در حین اینکه عده مكاتب و مدارس در تمام دنیا روی بهزونی میرفت و دامنه معارف در ممالك دیگر توسعه می یافت بودجه معارف تمام هندوستان از دو میلیون دلار تجاوز نمود در صورتی كه بودجه شئون آن بچهل و سه میلیون دلار بالغ گردیده یعنی هندوستان این مبلغ را در بهای قید اسارت خود می پردازد .

در اینجا باید نظری بسده بیسوادان هندوستان كه نود درصد اهالی را تشكيل میدهد بیندازیم . در اغلب ایالات آنسر زمین عده نسبی با سوادها قبل از استیلاء انگلیس خیلی بیش از عده با سوادان امروز آن مملكت بود در صورتی كه يك قرن است هندوستان در تحت نفوذ و نظارت دولت امپراطوری بریتانیا بسر میبرد .

در چندین ایالت هندوستان آزاد عده نسبی با سوادان بیش از هندوستان انگلیس است . با در نظر گرفتن این حقایق باید گفت كه مسؤولیتی كه از لحاظ جهالت جامعه هندوستان متوجه دولت بریتانیاست غیر قابل تردید میباشد . اصول طبقاتی هندوستان را مانع بسط معارف شمردن عنریست غیر موجه امتیاز طبقاتی بهیچوجه مانع اجتماع اطفال طبقات مختلفه هندوستان در اطاق های راه آهن و درون كارخانجات نشد در این صورت از آمیزش آنها در داخله مدارس نیز جلوگیری نمیکرد . گذشته از این بهترین طریقه از بین بردن اختلافات طبقاتی همانا بسط معارف و تاسیس مدارس است . در این صورت آیا میتوان ملتی را كه تا این اندازه در غرقاب جهل و فقر غوطه ور شده و برای اینکه اکثریت آن پای بند نصیبات جاهلانه بوده و از مزایای نظارت در توالد و تناسل بی اطلاع مانده اند مقصر دانست ؟

دولت بجای بسط معارف مشروب خواری و میکساری را در میان مردم وسعت میدهد. و این هاستینگ گفته است: «دفاعت مردم نذایهای ساده و اهترار ترها از مشروبات الکلی بهترین دلیلی است که این ملت تاچه اداره درز به کامی طبعاً پیرو اعتدال است.» با اولین بست تجارتی که توسط رباطا با اسپس گردید سالونهای متعددی برای فروش مشروب روم مفتوح و برقرار شد. در کپانی هندوستان شرق از این امر منافع بستماری تحصیل نمود. در ابتدای تصرف هندوستان قسمت اعظم عواید دولت از همین سالونهای مشروب و روشی تا من میگردد. اصول اختیارات و آردادی ملت طوری تربیب و تدوین شده بود که فروش مشروب بطور غیر مستقیم وسعت مباحث و فروختندگان آن شویق و تحریک میگرددند.

در چهل سال اخیر عواید دولت از این امر روز بروز زیادتر شده و امروز بهت برابر مقدار اولیه بالغ گردیده است.

در سال ۱۹۴۲ عواید سالانه این سالونهای مشروب روشی بالغ بر ۶۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار بود این مبلغ درست سه مقابل تمام پولهای است که برای مصارف مدرسه و اونپورسیته در خزانه گزار گذاشته شده است. سپس مایو میگوید که مادران هندی اطفال خود را از سن طهرلیت به تریاک عادت میدهند و از آنقدره اینطور نتیجه میگیرد که هندوستان هنوز لابق خود مختاری نیست.

آنچه مشارالیه میگوید درست و صحیح است ولی عدم تذکر نکاتی دیگر این گفتار راست را معنا مبدل به انواع دروغ مینماید. او میگوید مادران اطفال خود را از طهرلیت به تریاک عادت میدهند ولی با اینکه خودش از حقایق مطلع است میگوید این زنهای مفلوک و سب روزگار باین جهت هم هلاک مذکور را اطفال ناتوان خود میخورانند که آنها را مدعوش نموده و خود تقواید آردانه برای مامین معیشت و انجام کارهای طاقت فرسا به کارخانجات برود نمیگوید تریاک فقط و فقط توسط کاشتگان دولت کشت و زرع میشود و توسط دولت فروش میرسد، نمیگوید باوجود اعتراضات شدید کنکره ملی هندوستان مجاهدات قائدین کنفرانس های صنعتی و اجتماعی اقدامات جامعه (برهمناسوی) و (آریاسوی) و سایر جمعیتهای مسلمان و مسیحی فروش تریاک همان نهج

اولیه مانند فروش مشروبات در سالونها در جریان است نیکوبد امر: ز ۷۰۰  
دکان تریاک فروشی در جمعیت ترین مراکز عبور از طرف دولت برپا شده  
و اداره میگردد نیکوبد مجلس مقننه هندوستان در سال ۱۹۲۱ لایحه مبنی بر  
عدن کشت و زرع تریاک گذرانید ولی دولت بهیچوجه حاضر نشد مقررات  
آنها موقع اجرا بگذارد نیکوبد که از دوپست هزارانی هفتصد هزار جریب  
از اراضی هندوستان که بیابستی غله و حبوب در آن کاشته شود برای کشت  
وررع تریاک تخصص داده شده است نیکوبد که يك نهم کلیه عواید مستقیم  
و غیر مستقیم دولت از فروش تریاک وصول میگردد

این خام نیکوبد در اناط برمه قبل از استلاء بریتانیا کشت و زرع  
تریاک قویا ممنوع بود دولت انگلیس پس از تصرف آن ایالت مردم مجاما  
تریاک میداد تا اینکه بان عادت کند و یابن وسیله بازاری برای فروش آن  
تهیه گردد. (۱) نیکوبد با وجود غنغن شدن خرید و فروش تریاک در فیلیپین  
دولت بریتانیا حاضر نشد با نظریات کنفرانس هائی که در هندوستان برای منم  
اصول تریاک تشکیل میشد همراهی و مساعدت کند و از کشت و زرع تریاک  
بکاهد، نیکوبد دولت انگلیس صادرات تریاک هندوستان را بخارج ده درصد  
تقلیل داد ولی وسائل غیر مستقیم بمصارف داخلی آن افزود، می گوید  
گمشون محدود دولتی در راپورت سال ۱۹۲۵ خود با اهمیت تعلیم فروش  
تریاک را که یکی از مهمترین منابع هایسدادت است « تأیید و لزوم توسعه  
مصارف آنها مؤکداً گوشزد نمود و در عین حال سفارش کرد که توسعه مصارف  
بیش از آنچه فعلاً هست لزومی ندارد » (۲) نیکوبد هنگامیکه کاشندی بایک  
بهجت آرام و صالح جوانه ضد تریاک در اسام مصارف آنها بنصف آنچه که  
بود تقلیل داد دولت اقدامات او را باهتف و شدت متوقف ساخت، و چهل و  
چهار نفر از معاونین او را بمحسب ابداخت، نیکوبد این قبیل اقدامات جا براه  
و روح گشاک از طرف مردمی که خوبشتن را بیرو مسیح میدانند علت اعمال  
صاف و انحطاط يك ملتی بشمار است .

لورد منگارتلی در سال ۱۸۴۳ مجلس بمبوتسان را مخاطب ساخته و

۱ - ساندرو لاد ص ۱۵۵

۲ - ایضا ص ۱۴۹ و ص ۱۰۱



چنین گفت

« بطوریکه در هندوستان مشاهده کرده ایم این اشخاص جابر و ستمکار اگر در هندوستان آدم حساس و توانایی را میدیدند و وجود او را مخالف منافع و مصالح خویش تشخیص میدادند در صورتیکه مبرسیدند آشکارا وسائل قتل او را فراهم کنند اثر دستی مخصوصی او را مبتلای تریاک مینمودند و این موجود بدبخت پس از یک یا دو ماه در اثر تاثرات تریاک بگلی مزایای روحی و اخلاقی خویش را از دست داده وقوه هلاکت و سعی و اقدام از او سلب شده و سرری فکری و دانش روی باحطاط مکتداتت و طولی نمیکشید که همان موجود زنده و توانایی چندماه قبل يك مخلوق بانوان و مخلوقی مبدل میکردند این تردستی قربنده مهور که از قتل و آدم کشی امرات بدتر و خطرناکتر است حقیقتا درخور همان اشخاصی بود که آرا موع اجرا میکردند . این اقدامات وقبح را نمیتوان مقیاس شخصیت مات انکاسی قرار داد . ما همچوقت داضی هستیم که يك جامعه وعلی را بااینظربن مبتلا تریاک وافیون کنیم وباعت حاج فکری و احتطاط اخلاقی يك ملت عظیمی بشویم . ( ۱ )

ان بیانات را تقریبا یکصد سال قبل پیش بینی نموده اند .

### ۷ - - شبهه بر هرك

آخرین فصل کتاب این زندگی مرض و هرك است ضعف و ناتوانی اهالی هندوستان هر بیننده حساس در کسل و اسرده میکند ، ساق پای آنها از راه بیابان قدری باریک است که وسط انگشتان ما جایگیر میشود ! در تمام شهر های آن هرروزه ۳۴ درصد کارگران در اثر ضعف و ابتلا باعراض مختلفه باجراحی که در حین انجام وظیفه بانها رسیده است از کار غیبت میکنند ؛ فقر و تنگدستی آنها بقدریست که نمیتوانند اغذیه ای که دارای مواد مغذی باشد برای خویش تهیه کنند از خریدن و خوردن سبزیجات محرومند و بضاعت آنها ندارند که در هر چندروز یکمرتبه گوشت بخورند .

آب آبارهای تمام شهرهای هندوستان که مردم آب مشروب خود را از آنها بر میدارند هنوز هم پس از یکصد و پنجاه سال حکمرانی دولت امپراطوری بریتانیا بهمان حال قرون وسطی باقی است .

ذات‌الریبه و تک لازم از (بام) و (کوا) رحمت برآسته ولی هنوز  
 تا کمال شدت در هندوستان انگلیس شیوع دارد. روزگاری هندوها از طیف  
 قریب مال دنیا شمار بودند. (۱) حتی دهه‌ها پیش ایام هم هر روز در آهای  
 خارج شه استحمام می‌کنند و لباسهای گهه و باره خویش را می‌شوند با وجود  
 این بواسطه شدت فقر و سواستی عدم الصحة عمومی از ممالک گندی  
 متویف مانده.

تمام بودجه سالیانه دایره صحیه عمومی سال ۱۹۱۸ در بر کر و  
 تمام الا - برای ۲۲,۰۰۰,۰۰۰ من فقط پنج مایون دلار بود عمومی رای  
 فقط الصحة هر فرد در تمام مال دوساییم (مدل سه شاهر) مصرف می‌شد (۲)  
 سر ویلیام هوتر *William Hunter* که وقتی مدیر کل اداره  
 احصائیه عمومی بود از روی حسابهای دقیق پند کرد که فرما چهل ملیون  
 از نفوس هندوستان در تمام عمر شکم سیر نمود می . . . (۳) کسی که  
 که در اثر عداهای بد قوا و توانایی خود را از دست داده البته نمیتواند در  
 مقابل هجوم امراض مقاومت ورزد. امراض مسریه که متادیا و دورانقطاع  
 در آن سرزمین وجود دارد هر سال مایونها مردم را از نعمت حیات محروم  
 می‌سازد. در سال ۱۹۰۱ طاعون از خارج ناها سرایت کرد و در نتیجه  
 ۲۷۲,۰۰۰ مر اسیر سربینه مرگ گردیدند. این مرص مجدداً در سال  
 ۱۹۰۲ شدت کرد و ۵۰۰,۰۰۰ نفر را *هلاک* انداخت در سال ۱۹۰۳  
 ۸۰۰,۰۰۰ نفر و در سال ۱۹۰۴ یک ملیون نفر آنها در اثر ابتلاء این مرص  
 بدرود حیات گفتند.

در سال ۱۹۱۸ ۱۲,۵۰۰,۰۰۰ نفره آنها را واقم شد و ۱۲,۵۰۰,۰۰۰  
 نفر را از زندگی محروم ساخت  
 اکنون تا اندازه ای میتوان همید طاعون و فقط و علا برایچه این  
 درجه در هندوستان شیوع دارد. به چوچه میتوان گفت عدم آ درقه کافی  
 علت این فقط و علا است بلکه حققت اینست که فشار فقر میکند مردم  
 قدر کمالت غذا بخورند و همین فقر و تنگدستی را باید عامل ان مصیبت و

۱ - سر ویلیام هوتر در لاجیات رای ص ۲۸۴

۲ - لاجیات رای ص ۲۸۸

۳ - ایضا ص ۲۵۳

و بدبختی و انلاف این نفوس عظیمه دانست . در مدت تسلط حکم‌داری بریتانیا روز بروز بر شدت قحط و غلا افزوده و مرض بیسی از پیش شده است . از سال ۱۷۷۰ تا سال ۱۹۰۰-۲۵۰۰۰۰۰۰ نفر تنها از گرسنگی مرده‌اند این عده مردم در مملکتی تاف شده‌اند که از لحاظ و دور نعمت در همه دنیا مشهور است بانزده مایون از این عده در نیمه دوم قرن آخر بنی در قحطی های سال ۱۸۷۷ ، ۱۸۸۹ و ۱۹۰۰ در اثر گرسنگی همچنگ ل مرک اسیر گردیده‌اند محققین و ملاحظین حاضر و متقدم که هدف فریبان قحط و گرسنگی در سال حاضر به ۸۰۰۰۰۰۰۰ نفر بالغ خواهد گردید . امید میرفت که ساختمان راه آهن از شدت قحطی بکاهد و وسایل نقلیه برای فرستادن حوراک و غله از نقاط پر قحطی رده از تاتار مرض حارمان بر انداز جاوگیری کند . ولی می بینم که راه آهن به تنها شدت قحط را تضعیف نداده بلکه به آن افزوده است در این صورت باید قبول کنیم علت و موجب این قحط و غلا چنانکه میگویند فقدان وسائل نقلیه با کمی باران و خشکسالی و چیزهای دیگر بوده ، باید اقرار کنیم که حتی کمترین نفوس نیز می تواند تا ایندرجه باعث شیوع قحطی گردد . بلکه يك بننده دقیق و کنجکاو بحوبی میداند که در موارد تمام این مسائل بسك حقیقت مسلمی وجود دارد که ذات الدال تمام ان فلاکتها و بدبختیهاست . بقما و چداول منمادی بی اصافانه ، تحمیل کردن مالیاتهای کزاف بدوش مردم بیچاره و معلوک که از قوت لایموت محرومند ، (۱) باعث میشود که دهاقین و زارعین از عهده ادای قیمت غذایی که راه آهن از نقاط دور دست برای آنها می آورد بر نیاید . در همان وقتی که حکومت بدون اعتناء باوضاع عمومی این مملکت از ملتی چنین قحطی زده مشغول جمع آوری مالیاتهای کزاف و طاقت فرسا بود ، در همان حینی که مردم از بر بار این فشار مینالیدند و در گوی و رزن از شدت جوع جان می سپردند ، اعاناتی که از امریکا رسید عدهای را از مرک و قحطی نجات داد . دوت Dut که در این کتاب مکرر اسم او را می شنویم میگوید . باوجود وفور این همه نعمت هیچ سالی غذای ارزان بطوری که مردم بتوانند آنرا خریداری نمایند

بقدر کفایت در دسترس ملت هندوستان گذاشته نشده است . (۱) آری اینست کیفیت احوال ملتی عظیم ا

برای اینکه بهتر بمطابق بی بریم و مطالب را بروشنائی و اطلاعات بسبب تری مشاهده نماییم بهینیم دکتر چارلس ک. هال Dr Charles C. Hall رئیس مدرسه اتحادیه علوم الهی در این خصوص چه میگوید ، « يك حقیقت بدیهی و مسلمی همیشه فكر انسان را بظرف خود جاب می کند . و وقتی بمسئله فلاکت و بدبختی عمومی هندوستان دقیق میبشویم نمیتوانیم از تعجب خود داری گزیم زیرا در هیچ سال و در هیچ موقع این مملکت از آذوقه بقدر کفایت محروم نموده بر عکس وفور نعمت این سرزمین مشهور آذوق است ولی علت این قحطی و افلاس این است که نصف تمام محصولات و عواید بدوات بریطانیا تعلق میگیرد . بای اهالی هندوستان محکوم گردن هستند با اینکه سوازیه سالانه دوات امپراطوری بریطانیا يك دلار هم تقصیر وارد بیاید هشتاد درصد تمام نهوس این سرزمین وسیع بروی خاک نشسته اند برای اینکه مالیاتهای جاریه ای که دولت بریطانیا بدوش مانوان آنها تحمیل می کند اساس تمام شعبات صنایع داخلی آنها را واز کون می نماید . . . ما گشتی های پر از غله وارزاق به هندوستان می فرستیم در صورتی که اوراق بوش از لروم در دامنه آن مملکت وجود دارد . شکل در اینجا است که مردم بقدری فقیر و تهذیب شده اند که نمی توانند از عهده ادای قیمت قوت لایموت برآیند . قحط و غلا باکمال شدت در هندوستان حکم فرما است ولی هنوز سالانه بنهائین و طرق مختلفه مایونها از ثروت آن مملکت بناراج میبرود» (۲)

اکنون نظری بدهد متوفیات عمومی که در اثر مرك طبیعی میبیرند بیندازیم . در انگلستان عده متوفیات سالانه از هر ۱۰۰۰ نفر در امریکا دوازده نفر بامرك طبیعی روی از جهان هستی بر میتابند ولی عده متوفیات سالانه هندوستان ۳۳ در ۱۰۰۰ می باشد . (۳) نصف اطعالی که در ایالت انگاله متولد می گردند قبل از رسیدن بسن ۸ سالگی اسیر سرینجه مرك میشوند» (۴)

(۱) - دوت ص ۷

(۲) خطاب بجامه بیوپورك در لاجیات رای ص ۲۸۱

(۳) - اندر لاند ص ۱۴۰ - زباند ص ۱۷۳

(۴) - مایو ص ۹۷

در سال ۱۹۲۱ که تا کنون وقت زیادی از آن نگذشته از هر هزار نفر طغای که متولد میشوند ۶۶۶ نفر بدست مرگ گرفتار شدند ، در یکی از نقاط هندوستان عدد متوفیات اطفال نسبت بمتولدات ۸۲۸ در ۱۰۰۰ بالغ گردید ( ۱ )

نایب سرهنگ دون Dunn عضو دائره طبی هندوستان می گوید :  
« میتوان از ائتلاف نصف این عدد بخوبی وبا کمال سهولت جاو گیری نمود اگر در حقیقت این مسئله تردیدی داریم بهتر است در اوضاع ( توبا ) دقیق شویم . از موقعی که استیلاء دولت ایلیا در آن ناحیه شروع شد مالاریا ذات‌الریه ، وسایر امراض مسری نیز روی بسختی کفایت وعده ، توفیات خیلی زیاد روحت آب آور شد ولی پس از استرداد استیلاء این قبیل امراض خیلی تعریف یافته وعده متولدات قدری کم شد که میتوان گفت کوبا از لحاظ صحت عمومی در ردیف ممالک درجه اول بشمار است ( ۲ ) ولی در هندوستان از هر ده نفر طغای که قدم بر صه وجود میکنند در همان سال اول سه نفر گاهی تش نفر و در بعضی موارد هفت نفر کل عمرشان در اثر ورش سهم مرگ از امراد ممالک پزمرده میگردد نتیجه استیلاء برصایا بر روی هندوستان چه بود است ؟ وضع مالیاتهای کزاف ، خرابی روبرانی در اثر قتل و غارت وبالآخره گرسنگی و مرگ .

اکنون که نا ذکر اداء وشواهد بعضی حقایق را روشن نمودیم اجازه می خواهیم که در طی چند سطر بی احساسات وحکیمت خویشتن را بر بیان کنیم . من هندوستان آمدم در حالی که دولت بریتانیا را قلباً تحسین می نمودم ولیاقت آن دولت را در بر قرار کردن انتظام و ترتیب و امنیت بطوری که پیش خود تصور می نمودم قابل ستایش میدانستم و از اینکه موجب استراحت وآسایش مسافری را در تمام نقاط فراهم آورده است قلباً امتنان داشتم . ولی از هندوستان خارج میشدم در حالیکه بمن ثابت شده بود که فقر و بدبختی و جهالت عمومی این سر زمین نتیجه مستقیم هجوم واستیلاء دولت اجنبی است

( ۱ ) - اندرلاند ص ۱۵۸ - زیماند ص ۱۷۶

( ۲ ) - اندرلاند ص ۱۴۵ و ۱۴۶

بنا بر این حکمداری برطانیایا در هندوستان جز يك خیات مهم بعالم بشریت از طرف آن دولت و يك مصیبت عظمی برای هندوستان نمی توانم چهز دیگری نام بگذارم. غلبه و تسلط برطانیایا یکی باغایه مسامین متفاوتست. مهاجمین مسام برای اقامت و سکونت، کربدن هندوستان روی آوردند، اخلاف آنها امروز هندوستان را وطن خود میدانند آنچه را که میتوان مالیات و خرج از مردم میگرفتند در داخله هندوستان بمصرف میرسانیدند و این طریق موجبات پیشرفت صنعت و تجارت را فراهم می نمودند. ادبیات و صنایع مستظرفه هندوستان با نظری احترام آمیز مینگریستند، اگر دولت برطانیایا بجز رفتار آنها را سرمشق خود قرار داده بود امروز هندوستان در ردیف مال زنده و یکی از مترقی ترین ممالک دنیا بشمار بود، کثرت قتل و شیوع غارت پستی و سدهاست که برای اهالی نمره روزه این سامان غیر قابل تحمل است، بواسطه این طرز رفتار از طرف یکدولت امپراطوری قاهره، یکی از معظمترین و عجیب ترین ممالک بزرگ و تاز بخی دنیا سال سال پرتگاه بهستی و مرگ نزدیکتر میگردد، آنچه از همه وحشت انگیزتر است اینست که بر بشان روزگاری و هلاکت مردم نه تنها تضعیف نمیشاید بلکه روز بروز شدت میکند و اوضاع بجای اینکه بطرف بهبودی برود روز بروز تیره تر و سخت تر میگردد. انگلستان هندوستان را برای خود مستعمری حاضر نمیکند بلکه خون آنها مملکت و قوای آنها سلب میکند و باعمریت مرگ دستگیرباش میزند. یکی از آراء مردان انگلیسی موسوم به ح. م. هندوان میگوید: «هندوستان پیوسته روبعضف و انحطاط میرود؛ يك ملت عظمی در اثر حکمداری ما حیات و زندگی را از دست میدهد و پرتگاه مرگ نزدیک میشود.»

آدمیکه این جنایات عظمی را می بیند و ساکت میماند ترسو و حیوان است. هر فرد انگلیسی یا امریکائی که باین جنایات پی میبرد و برضد آن طغیان نمینماید شایسته کی انتساب بوطن خود را ندارد.

# فصل دوم - کازدهی

## هیکل و اندام او

نهضی را که در رشته وسط، لاغری و نوبت هوای جسم در تمام آسیای قاف است با صورتی متن موهانی جاگستری و درهم، چشمانی کوچک ولی درخشانی که نور مهر و محبت را آینه نماید، دهان بسیار بزرگ و پدیدان گوشهای عریض، بینی بزرگ و بادبز از حد، ابروهای سیاه، و ساقهای باریک و بی گوشت در نظر خود محسوس نماید که حیوشتن را در ردای نامدی مستور نموده و در مقال قصی انگلیسی در هندوستان ایستاده و بحریم تمام وادی طمانی در میان هبوطان مورد استیطاق واقع گردیده است این شخص را با همان لباس ساده و بی پیرایه در حالی سطر آورید که در یکی از کهنه‌ها هم مشاهده در قصر ایب الساطیه دوش بدوش معروفترین و عالم‌نام ترین نمایندگان انگلیسی شنیده است. از آن مرد را در حالی در نظر خویش محسوس نماید که دراطاق بزرگ و مدرسه حقیقت جریان، چهارراهی روی زمین قرار گرفته، پیله نخ ریسی در دست و مشغول رشتن نخ میباشد و صورتش در آثار مصائب وارده از طرف هبوطاش برجین شده و آثار اندوه و تاتر از آن نمایان میباشد و با این حال برای هر سؤالی که باجم اراادی از وی میشود جوابی مقنع و حاضر و آماده دارد. این مرد لاغر و نابوان که با این حال تاتر آور مشغول نخ ریسی است پشواى سیاسى و مقتداى روحانى ۳۷۰۰۰۰۰ ر۳۷۰۰۰۰۰ خوس هندی میباشد؛ موقیبه که این مرد در مجامع عمومی حضور پیدا میکند مردم از وصیم و شریف امید تبرک برای لمس کردن

کوشه ردایش یا بسیدن دستش هجوم میکنند ( ۱ ) از ایام بودا پیغمبر  
عالیقام هندی تاکنون مردی که تا این اندازه دارای هوذا اخلاقی بوده و اینقدر  
مورد احترام و پرستش مردم است در سر زمین هندوستان وجود یافته است  
این مرد را میتوان مهمترین و حایر القدر ترین مشاهیر رجال دنیا بشمار  
آورد بدون تردید میتوان گفت در تمام دنیای کوی مردمی را پیدا میکنیم  
که با اندازه او در میان توده مردم دارای این مقام و نفوذ باشد . تاریخ آینده  
هندوستان در صورتیکه تذکره هیچیک از معاصرین او می بردارد اسم او را  
در سراجوه خود ضبط خواهد کرد .

اس مرد این تمام حالات در کوی را که زبا شن مرود او  
هیچ کتاب با اعراف مراسم خاصی در وجودش پیدا نشد و ث صدای او هم  
در هندوستان شنیده نشد . وی در زمان شهرت ۶۷۰ - ۶۸۰ سالگی ترحیح داده شد  
حتی شما نکند و از اینگونه ستان علاقه ای با دین او ، انکاسم شریک امتنان  
خوش را شما موهماک و در حیرت ، داشته صد ، که منقول صحیح می باشد  
روزی چهار ساعت بافتن پارچه در هر شب ، و در روز به جدار اتیان دارد  
تمام دارایی و مالیک او ، به دست لاس ، بهر گوئیم به عدد دها  
همانکه به دست خودش از همین اریچه بافته شده صادر آید ، در روز  
معمولترین مضامین شمار مایه اولی تریوب و تمرل خود را و هم تقریبا و بردهای  
درمانده و بی پناه نمود ، در پیش بس از او کوی این که ، لازم صدف روحی  
این طایفه است ، الا ، مردانه او را مقامت بوده این را ، همیشه موقع جواب  
یک پارچه جدر بروی زمین گسترده و روی آن میجواید

عدای خود را ، به گردو ، سربجات ، لیسو ، نارنج ، حرما ، رنج و

۱ - لین و کاندی ( الیف فوارپ دیار ) چاپ لندن سن ۱۷۱

معارف آسنا الیف ( زوری واسکتی هال ) طبع بیوبورک .

مهمات کاندی نالیف ( کری ) و ( بارک )

مهمات کاندی نالیف رومن دولاند چاپ بیوبورک .

دو جلد از مواعظ کوی . اندرو : اوبی راجع به شاعلی کاندی و دومی

راجع بایده آلهای او . ( خود اندرو مدت بیست سال با کاندی روابط صمیمانه

و نزدیکی داشته است )



شیر بز منحصر نموده است (۱) غالب اوقات در مدت چند ماه جز مقداری شیر و کمی میوه چیز دیگری تناول نمیکنند. در تمام عمر فقط يك مدت محدودی ذائقه خود را با گوشت آشنا نموده. اینك معمولاً با اطعمالی كه شخصاً عهده دار تربیت آنها است یکجا غذا صرف مینماید. یكباره و حیلۀ تاربیح روحی و شدمانی و سرور قلبی او همین اطفال میباشد. در سال ۱۹۲۲ هنگامكه مأمورین دولت بریطانیایا برای توفیق او آمدند او را با يكدسته اطفال در محن حیات مشغول بازی دیدند این شخص نه تنها مرتباً در ساعت چهار صبح از خواب برخاسته نماز میگذارد. بلکه روزه هم میگیرد، خود او میگوید: من اگر بتوانم بدون قهوه با صره كار كنم قادر خواهم بود كه بدون روزه گرفتن زنده بمانم. همانطور كه چشم برای مشاهده دنیای ظاهر لازم است روزه بز چشم باطن ما را عيكشاید تا دنیای معنوی و روحانی را به بینیم. زیرا هنگاه خون در بدن ما ضعیف میشود متعكرفه ما سبك و روشن میگردد افكار ما مناسب و ناموزون ما را ترك میگوید، مسائل اساسی و حتی گاهی اسرار غامض حقیقت كائنات مانند قه كوهی كه از حلال ابرهای متراکم نمایان میشود در نظر ما آشكار و محسوس میگردد

در همان حینی كه كاندی شخصاً بری بدن خداوند خودش روزه میگیرد يك چشم خود را زمین افكند و به موطنان خود سفارش میکند كه افلا روزی يك وعده غذا صرف كنند ببادا بواسطه كازی كه در اثر مصرف رسیدن قوای بدنی تولید میگردد، هنگام دیدن خداوند مسرور شوند، (۳) در سال ۱۹۲۴ كه مسلمانین و هندوها بواسطه مناقشات مذهبی باهم در رد و خورد بودند و با كمال مصب از همدیگر میكشتند و تصابح متمادی و در خواستههای او برای برقرار کردن صلح كوش نمیدادند برای تحريك احساسات آنها مدت سه هفته از خوردن غذا امتناع نمود: در نتیجه این روزه های متعدد و در اثر فقدان آبش بقدری لافرو ونجیب شده هنگام ابراد طلق در مجامع عمومی مجبور است بروی صندلی بگپ دهد

۱ - نوآرپ میار ص ۱۷۵ الی ۱۷۶

۲ - كاندی: هندوستان جوان ص ۱۲۳

۳ - ایضاً ص ۱۳۳

مشارالیه اصول رهبانیت را در تمایل جنسی هوذا ورسوخ داده و مانند تولستوی معتقد است که برای جلوگیری از توالد و تناسل باید از روابط جنسی خودداری و جلوگیری نمود.

در ایام جوانی غالب اوقات خود را بیاشی می گذرانید ولی در همان حین که در دنیای عشق در آغوش محبوبه بسر میبرد خبر ناگهانی ترك پدرش او را بکلی از خود بیخود نموده از آن تاریخ به بعد از اصول دیانت (براهمنها) متابعت نمود. این طریقه از ایام صباوت بوی تطیم داده شد. بود و پس از اینکه سالک این راه گردید مطابق اصول و مقررات آن آن به تمام تمایلات و هواهای نفس پشت پا زده بزین خویش دستور داده که از آن بپد باید روابط آنها خواهرانه و برادرانه بوده و از مناسبات جنسی بکلی خودداری کنند. خود او میگوید: «از آن موقع بعد تمام هرج و مرج های روحی و افکار درهم مرا ترك گفتند» (۱)

بعد ها همینکه بزودی مسلم شد که هندوستان بشدت محتاج نظارت در توالد و تناسل است باز اصول مغرب زمین را پسندید ولی اصول مائوس و تولوس خیلی مطابق میل او واقع شد. از گفتار خود او صحت و آ یا ما که کاملاً از کیفیت اوضاع آن گاه هستیم حق داریم واسطه و وسیله ایجاد اطفال واقع شویم؟ اگر ما با وجود آن گاهی کامل بر اوضاع باز مانند سابق بعمل توالد و تناسل ادامه دهیم فقط بده بردگان و اسرا را افزوده ایم. تا موقعی که هندوستان استقلال خود را بدست بیاورد... ما حق توالد و تناسل نداریم... بدون شك و تردید میگویم که اشخاص متاهل اگر خیر و صلاح خود و وطن خود را در مد نظر دارند و میخواهند این منکعت از غرقاب فنا و انحطاط رهایی یابند و کسب قدرتی نماید باید این حقیقت را مراعات کنند مردمان آن گاه و بصیر باید حس خود داری و پرهیز را در خویش پروراندند و از توالد و تناسل جلوگیری کنند» (۲)

این سوابق متعارف را در مسائل اخلاقی سخت گیر و شدیدالحن نموده است . او نیز مانند مسیح معتقد است که هر کس نظر شهوت بزنی اندازد همانند در دل خود با او زنا کرده است ، اعمال منافی عدت را و حشمتناک ترین و دردناکترین امراض اجتماعی میداند و از اینکه مغرب زمین برای افساح شهوت زاپان و مجردین عده از جنس (لطیف) را قربانی نموده است آنرا سزاوار ملامت و تظبیح میداند . زمانی که از مدارج عالیه اخلاق سقوط کرده و در اعماق کودال حیات اجتماعی سرنگون شده اند در اثر پیامها و دلجوئی های مهر آمیز او تسلی قلب حاصل کرده و در دنیای تیره و ظلمانی زندگانی خویش روزنه ناامیدی باز دیده اند . مسافران بیده را بیموده تحف و هدایای خود را آورده و شار قدمهای او نموده تائب شده اند خود او معترف است که هندوستان در مسائل جنسی راه افراط را می پیماید بهمین جهت بآبادی خواری و میکساری مخالف است حتی صنعت نیز اگر از مخرج طبیعت بر کنار باشد در نظر او کاری بوج و بی معنی است .

من موسیقی و صنایع مستظرفه را دوست میدارم ولی قیمت ووفی را که دیگران بر آنها قائلند بانها بی گذارم من منظور از این همه فعالیت ها و مجاهدات را که لازمه آگاهی از اصول تکنیکی و مکانیکی است نمی فهمم موقی که من بسطح آسمان نیلگون که با احترام فرزندان زمین است مینگریم و بشاهده عظمت طبیعت مشغول میشوم منظره مجلل و باشکوه سحر سحر آسمان در نظر من زیباتر و ناطقتر از تمام صنایعی است که دست قدرت نوع بشر آنها را بوجود آورده است نمیخواهم بگویم تمام چیزهایی که ما آنها را صنعت مینامیم در نظر من بی قدر و بی اهمیت است . ولی اینقدر هست که هنگام مقایسه تمام آثار زیبای صنعتی با زیبایی نامحدود مظاهر طبیعت بر من مسلم میگردد که صنعت در مقابل طبیعت بسی ناچیز و معطراست زندگانی شاهکار بی نظیری است و سیم تر و عالیتر از تمام صنایع دنیا . علاوه بر این مقدمات و طرز فکری که چاندی را در نظر ما فریبان

که پیرو جدی اصول اییکور میباشیم ممکن است نامطبوع جاوه دهد صفات و خصایص دیگر که بما گفته اند مسیح را از سایر مردم متمایز و ممتاز مینماید در او نیز یافت میشود

کابندی هیچگاه نام نامی موسی مسیحیت را بزبان نمیآورد ولی تمام اعمال و رفتار او بقدری نجیبانه و آمیخته با طهارت و شرافت است که گوئی وعظ سر کوه ( ۱ ) را راهنمای دائمی و همیشگی خود قرار داده است از زمان سن فرانسیس تاکنون تاریخ هیچ بشری را بهمانشان نمیدهد که زندگانیست تا این درجه مبتی برقدوسیت، و انکار نفس، سادگی و صفای روح بوده و اینقدر نسبت بمخاصمین و بداندیشان خود مهراان و خیر خواه باشد رفتار او با تمام مخالفین بقدری باادب و احترام توأم است که آنها را بی اختیار وادار بمراعات ادب و احترام در حضورش مینماید دولت او را توفیق کرده و از بدان میفرستد ولی در عین حال نمیتواند از اظهار تندر و تأسف و عرض معذرت خودداری کند. هیچگاه غضب و اوقات تلخی از وی مشاهده نشده تاکنون سه مرتبه مورد هجوم عامه واقع گردیده و بقدری از دست آنها ضربت خورده است که نزدیک بموت شده ولی هیچوقت در سدد انتقام برنیامده است هنگامی که یکی از ضارین او توفیق و حبس شد کابندی بهیچوجه رضا ندارد که بر علیه او شکیانی بکند در یکی از شدیدترین زدوخوردهای بن هندو و مسلمان در ( موبلا ) صدها هندی بیچاره و بی اسلحه قربانی مهر غضب مسلمین گردیده و از نعمت حیات محروم شدند. طوای نکشید که قحطی شدیدی در آن ناحیه واقع شد کابندی از تمام هندوستان اعانه جمع نمود در اكمال مهر و وصیعت برای دشمنان قحطی زده خود ارسال داشت

مبانی مسیحی در هندوستان او را بزرگترین و یا کترین مسیحی معاصر میشمارند او نیز مانند ( بودا ) و ( میراندا ) در بلا و مصیبت تمام کسانی که به بلا و مصیبت گرفتار میشوند شرکت میجوید تمام بدبختیها و مذلت های عمومی را یک تنه بدوش خویش تحمل مینماید، برای آزادی عموم مجاهدت مینماید و برای آموزش گناهان آنها روزه میگیرد. با بنظر بی ملتی که بهیچوجه در تحت تاثیر مقتضبات دنیای خارج واقع شده اند در پیشگاه او سر تسلیم

بر زمین سائیده، اصول مشکل مقاومت صاحب جویابه او را پذیرفته و پرا ببنزله پیغمبر و مقتدای خویش میدانند و بوی (ماتما) با روح بزرگ و مقدس نام میگذارند. اینک ما با يك انقلاب و نهضت بزرگی دربرو میباشیم که یکی از مقدسین آنرا بوجود آورده است

### ۳ - اندازکات کاندی

مشاراییه در سال ۱۸۶۸ در (پورند) واقع در ایالت کجرات قدم جرحه وجود گذاشت و (موهانداس کرمشاند کاندی) نام یات خانواده وی جرحه طبقه سوم یعنی تجار و از آن ترقه ای بود که اصول دینی آنها جداً آزاد دیروح را منع میکند پدرش باوجود داشتن استعداد ذاتی شخصی متقی و برهیز کار بود و در اثر زهد و تقوای خویش مقامات و مشاغل خود را یکی بعد از دیگری از دست داد قسمت اعظم اموال خویش را برای مصارف خیریه وقف نمود، وایه را برای خانواده خود بجا گذاشت

موهانداس بمدرسه ای که در قصد مسکونی او بود اعزام شده و در عقل و معرفت پیشرفتهای سریع و شایانی نمود  
هنگامیگه هنوز مراحل طفولیت را میپیمود بواسطه عدم رضایت از کیفیت و شخصیت بعضی خدایان هندی پشت یا بدیانت زده و برای خود بدینی را اختیار کرد

کاندی برای اینکه شماتت متمادی خویش را در باره بیروان ادیان آتکار کند و عقاید دینی را مورد تحقیر و تمسخر قرار دهد بخوردن گوشت مبادرت نموده، گوشت مزاج اوسازکار واقع نگردید پس از چندی مجدداً بدیانت متمایل شد،

در هشت سالگی نامزد اختیار نموده و در دوازده سالگی بانامزد خویش کاستوریای که در تمام مراحل نیک و بد زندگانش در همین فقر و تنگدستی هر مواقع غنا و نعمت هنگام حبس و بانوانی نسبت باو صمیمی و وفادار مانده است عروسی کرده در سن ۱۸ سالگی برای دخول در اونیورسیتیه امتحان داد و برای تحصیل حقوق بلندن رفت، مادرش هنگام عزیمت وی خیلی ناراضی بود اورا نزد کتیش برده و بپیدسوگند موکد مفید نمود که مادامی که از هندوستان دور است از خوردن گوشت آشامیدن شراب و روابط جنسی

### خود داری نماید (۱)

هنگام اقامت در لندن هر قدر توانست گوشید که یکی از دلخواه انگلیس بشمار آید . در طرز لباس ، فصاحت بیان ، رقص ، عشق و پروا و ، و زبان فرانسه پیشرفت زیادی کرده . (۲) این نقشه برای او خیلی مشکل بود . از گاهی بگلهای تمام دروسی را که مستلزم روابط اجتماعی و آموزش با مردم بود کنار گذاشته و مصمم میشد برای همیشه فکر انگلیسی شدن را در فکر خود خارج کند هنگامی که بهندوستان مراجعت کرد چندین مقابل هنگام عزیمت از آن کشور پای بند و علاقمند بشئون ملی خویش بوده

در اتر چند سال اقامت در لندن سه حس متباین و مختلف در وی بوجود آمد و بشدت رشد و نمو یافت . از یک طرف حس و غرور ملی از طرف دیگر افکار دموکراسی و از جانبی معتقدات دینی مسیحیت بی اندازه فکر او را بخود متحول کرده بود : زندگانی آزاد اهالی انگلستان و قدرت و نفوذ و شخصیت اجتماعی آنها ، و احاطه ای که در امور سیاسی و نظارت ، در کلیه افعال و اعمال دولت داشتند حقیقت حیات دموکراسی را در نظر او روشن کرد و او را باین فکر انداخت که آیا ممکن است روزی ملت هند نیز بتواند از نعمت آزادی و استقلال منتهی گردد و دارای شخصیتی شده و حکومت ملی برای خود برقرار نماید . کاندی طرز تشکیلات دولت انگلیس را قلباً تحسین مینمود و همیشه آرزو میکرد که اعمال و رفتار امپراتوری بریتانیا در خارج با افکار و ایده آلهای دموکراسی انگلیس در داخله انگلستان متناسب باشد و چون مابین روحیات انگلیسی و اعمال امپراتوری بریتانیا مشابهتی نمیدید نسبت میکرد که چطور ممکن است ملتی که تا این اندازه دوستار آزادی و استقلال میباشد ملت منظمی را در چنگال حتم کاری خویش اسیر کند .

اصولاً افکار جامعه نيات خواران لندن فکر او را بخود جلب کرد . فلاسفه و متصوفه و الهیون انگلیسی او را وادار نمودند که بزرگترین آثار جاودانی ادبی متوطن خویش یعنی قطعات بجاگوآت کینا را مورد مطالعه و

۱- حال ص ۳۹۶

۲- کری و پارک ص ۶

دقت قرار دهد . (۱) آثار عازینی رامی خوانند ، تمام احساسات و عواطفی  
را که آن شاعر توانا از اعماق قلب خود نسبت با ایتالیا بروی صفحات محفوظ  
بوسیله قلم منعکس نموده بود در قلب خویش نسبت به وطنش هند و ستان  
احساس مینمود

آثار نورو را میخوانند و اصول ناطاعتی کشوری و انقلاب صلح  
جویانه را از وی فرا میگیرند . چند قسمت از آثار افلاطون و روسکین  
را بزبان هندی ترجمه نمود . صفحات آثار تولستوی را خوانده و مضامین  
آنها را در قوه حافظه خود مضم مینمود در اینجا نیز اصول مقاومت بدون  
اعمال شدت مندرج بوده در اینجا نیز تمام روابط زناشویی که بروی منظوری  
جز نواید مثل بنا میشود نهی شده بود

در سال اول اقامت خویش در انگلستان ۸۰ کتاب مختلف را جمع  
بمساحت مطالعه نمود ولی یکباره کتابی که شخصیت مسیح را در آن منعکس  
میدید کتاب عهد جدید بود . خود او می گوید و نظر سر گروه نا اعمالی  
آب من نفوذ نمود (۲) در اثر تعلیمات مدرجه در این کتاب منعقد  
شد که در ازای بدی و بدکاری باید خیر و نیکو کاری را پیشه نموده  
و برای دشمنان خود برکت و رحمت بطلبید خلاصه اساس بشریت در نظر  
و مردم اعمال شدت نسبت بدشمنان و بد خواهان میباشد و معتقد است که  
نگفتن با این خصایص بهتر از فتح و غلبه است که در نتیجه فقد آن آنها  
دست آید .

معارف الهیه در سال ۱۸۸۸ بانگلستان عزیزت نمود و در سال ۱۸۹۱  
س از ختم دوره تحصیلات خود به هندوستان مراجعت کرد . در اوائل کار  
مدتی در سبئی بمنزل قضاوت پرداخت ، از مد اخله در دعاوی حقوقی  
بود داری میگرد و برای خود این اصل را اختیار نموده بود که در مسائلی  
که در نظر وی ناحق جلوه مینمودند دخالت نکند (۳)  
در سال ۱۸۹۳ از اربقای جنوبی دعوتی از وی بعمل آمد که در

۱- گری و بارک ص ۷

۲- حال ص ۴۰۰ - رولاند ص ۴۰

۳- حال ص ۴۰۲ - رولاند ص ۱۱

در دعوی بین اولیاء بك کمپانی هندی که در یربتوری مشغول بودند قضاوت نموده و کار آنها را تصفیه نماید هنگام هزیمت از هندوستان در این مرتبه دوم تصور میکرد بزودی بوطن خویش مراجعت نموده و دیگر آنها را ترك خواهد گشت

هیچ تصور نمیگردد که مدت بیست سال در افریقا متوقف خواهد شد. در اوائل ورود در (جهاس برک) به سببی امور بر منعت پرداخت و هواید سالیانه وی باع ۲۰۰۰۰ دلار میشد. (۱)

کامپی در آن ايام که هنوز آغاز جوانی و هارزندگانش بود شخصی با تمول و ثروتمند بشمار میآمد.

چون سببی کیفیت زندگی هموطنان خود در افریقای جنوبی دقیق شد آنها را اسیر سریشعه قوانین ظالمانه دید. اینها اصلا بسمت بگمده کار گران کنتراتی به (اتال) آمده بودند. پس از ورود بان ناحیه رفته رفته بری خود منزل و عاوانی بر قرار کردند و این موضوع با مذاق اهالی و انکاسها خوش آیند بود و با آن موافقت نمودند. این مردم فعال و عملی و سائن و دستخط مهندسه هندوها هم مانند که بنا بپول آنها هر چه زود تر از آن ناحیه رحمت بر سته و بوطن خود هندوستان مراجعت کنند. افراد هندی را از مهمانخانهها و کارهای راه آهن میرانند، آنها را توهین و تحقیر مینمودند با ضربات سخت از یله ها بزیر پرتاب میکردند و وسیله دستجات اهر که در تمام مجامع تمدن آلات دست غرض و رزان میشوند آنها را کتک میزدند. (۲)

در سال ۱۹۱۲ در بار متعده افریقای جنوبی اعلان نمود که کلیه عهدها و نکامهای هندیان غیر قانونی میباشد. دولت اتال برای الراد هندی بك مالیات سرانه ای که در سال ۱۵ دلار میشود وضع نمود. هنگامی که کامپی در شرف حرکت بود بك مجببی از هندیها از وی تقاضا نمود که بر علیه این مظالم هندیان مساعدت کند. این مجمع برای این که حقوق و مقرری هنگفتی تعیین مینمود ولی خود او عازم شد که



متوقف شده و زندگانی خویشتن را در راه آزادی و آسایش آنها وقف نماید. بنابراین این از قبول حقوق و مقرری امتناع نمود زندگانی راحت خود را ترک گفت، از آسایشی که قبلاً ملازم زندگانش بود صرف نظر کرد و در تمام مدت بیست سال بعد اوقات خود را مصروف آسایش هموطنان و تصفیه امور آنها در افریقا نمود. آنها را در تحت انتظام در آورده و پیشوا و مقتدای آنها شد. جایی را رای آسایش آنها در نظر گرفت که هر يك از افراد هندی در صورت موافقت با اصول عدم اعمال عصب و شدت بری میبواستند آمده و در آن استراحت نموده و ماوا گیریند، اوضاع و احوال آنها را در لندن مردم عرضه داشت و حس موافقت جمع کثیری را بر انکیست در هندوستان اوضاع و احوال آنها را برای مردم شرح نمود و در قلوب اهالی آن کشور حس غضب و هيجان تندي توليد کرد. هنگامیکه بافریقا مراجعت نمود بگنسنه از سید بوستان که از فرط غضب همه ای دیوانه شیبه بود وی حاکم کرده و در صدد معلوم ساختن او برآمد. هنگامی که مراتب متوالی از اطراف بری او یرتاب میشد با گهان يك حام انگیسی خود را به تیر لا نمود و با این کابندی و ضاربین حایل گردید و با این هد کای او را از مرك نجات داد. این عمل سوره ای از خصایص و تمیزات انگیسها و حاکمی از روح هد کاری و شهامت آن مملکت بود که چون چراغ در وسط يك محیطی که با حماقت آکنده شده بود نور افشایی نمود. این عده هندی قبل قصد و نیت خود را اعلام نموده بودند و يك دولت با صرف بخوبی میتوانست در موقع مهود آنها را برانگند نموده و از زدحام آنها جلوگیری کند و آنها را از این عمل و حقیقه باز دارد.

خود کابندی در آروزها تا این اندازه در این مسائل اهمیتی نداشت و سخت کبر نبود هنگام جنگ بین انگیسی ها و اهالی بوئر بطر هداری انکاستان قیام نموده و جمعیت صلیب احمری مرکب از هزار نفر تشکیل داد و بطوری آنها را تشجیع نموده و بقتل با مشکلات و امید داشت که برودی بدویات نشان افتخاری از طرف دولت انگیس مائل گردید. مشارالیه امیدوار بود که انکاستان از زحمات او و هموطنان او قدر دانی نموده و بجبر آن مصائب وارده بر آنها از شدت بار بودیت آنها خواهد کاست. بر خلاف